
مقایسه مفهوم ایمان در شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم

عبدالله میراحمدی* / مرجان باوفا**

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۶

چکیده

ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم دو شارح مشهور نهج البلاغه در قرن هفتم هستند. ابن‌ابی‌الحدید براساس دیدگاه معتزلی خود معتقد است که عمل در مفهوم ایمان وارد می‌شود اما ابن‌میثم بر اساس دیدگاه امامیه معتقد است که عمل جزو آثار ایمان است و در معنای آن وارد نمی‌شود. بنابر این با مقایسه شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید با شرح نهج البلاغه ابن‌میثم پیرامون موضوع ایمان مشخص می‌گردد که دیدگاه کلامی این دو عالم تأثیر زیادی در شرح کلام امام علیه السلام گذاشته است. ابن‌میثم تنها طبق دیدگاهش کلام حضرت را تشریح کرده است اما اثربخشی ابن‌ابی‌الحدید از مکتبش گاهی به قدری زیاد است که دیدگاهش را بهترین دیدگاه معرفی می‌کند. بر این اساس در این نوشتار تلاش شده تا اطلاعات اجمالی از زندگی ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم و ویژگی شرح نهج البلاغه هر دو داده شود، سپس مصادیق مختلف تأثیرات دیدگاه آنان در مورد مفهوم ایمان در شرح نهج البلاغه بررسی شود.

واژگان کلیدی

شرح نهج البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ابن‌میثم، مفهوم ایمان.

mirahmadi-a@yahoo.com

bavafa111@yahoo.com

*. استادیار دانشگاه خوارزمی.

** . دانشجوی سطح چهار حوزه علمیه (نویسنده مسئول).

طرح مسئله

نهج البلاغه، دائره المعارف عمیقی از فرهنگ اسلامی است که به «أخ القرآن» شناخته می‌شود. این مروارید گران بها دربرگیرنده مجموعه‌ای از سخنان زیبای حضرت علی علیه السلام است که توسط سید رضی گردآوری شده است.

درباره نهج البلاغه و محتوای آن از دیرباز شرح‌ها، تفسیرها و ترجمه‌هایی به زبان‌های گوناگون به رشته تحریر در آمده است. از میان شرح‌های فراوان نهج البلاغه، دو شرح ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم که هر دو در قرن هفتم هجری نگاشته شده است، از جمله مهم‌ترین و معتبرترین منابع تبیین نهج البلاغه به‌شمار می‌آید. ابن‌ابی‌الحدید متکلم معتزلی و ابن‌میثم از متکلمان برجسته شیعه امامی است. مکتب کلامی معتزله در برخی از دیدگاه‌هایش با مکتب امامیه متفاوت است. یکی از این اختلاف‌ها درباره «مفهوم ایمان» است که این پژوهش به روش توصیف و تحلیل محتوا، به بررسی و مقایسه آن در دو شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم پرداخته است تا میزان تأثیرگذاری دیدگاه کلامی این دو مؤلف در شرحشان بر سخنان امام علیه السلام مشخص شود.

در ابتدا حیات ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم و ویژگی‌های شرح‌های آنها بر نهج البلاغه مرور می‌شود، آنگاه به معرفی مفهوم ایمان از دیدگاه معتزله و امامیه پرداخته می‌شود و در نهایت تأثیر دیدگاه کلامی ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم درباره مفهوم ایمان در شرح سخنان امام علی علیه السلام، بررسی می‌گردد.

مروری بر حیات ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم

عبدالحمید بن هبه الله بن محمد بن محمد بن حسین مدائنی که به «ابن‌ابی‌الحدید» معروف است، روز یکم ذی‌حجه سال ۵۸۶ ق / ۱۱۹۰ م در مداین به دنیا آمد. او آراء معتزله بصره و بغداد را در مداین فرا گرفت و صاحب‌نظر شد. سپس به بغداد رفت و مورد توجه دستگاه حکومت عباسی قرار گرفت. در آنجا به مشاغل حکومتی مختلفی دست یافت، از جمله مناصب وی می‌توان به دبیری دار التشریفات، دبیری دیوان خلافت، ناظر بیمارستان، سرپرستی کتابخانه‌های بغداد اشاره نمود. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵: ۷)

در کتاب‌های متعدد از هفده اثر برای وی نام برده شده است؛ که در این میان سه اثر نظم و بقیه نثر است. مجموعه آثار ابن‌ابی‌الحدید نشان می‌دهد، وی دانشمندی برجسته و از چهره‌های درخشان قرن هفتم است. اگر او هیچ اثری غیر از شرح نهج البلاغه نمی‌داشت، با مراجعه به آن نیز، همین نتیجه به دست می‌آمد. اطلاعات دقیقی درباره ابن‌ابی‌الحدید در منابع موجود نیست، حتی در برخی از



کتب تراجم، نام او ثبت نشده است. درباره سال وفات او اختلاف مختصری دیده می‌شود، اما در مجموع سال وفات وی را ۶۵۶ ق معرفی کرده‌اند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵: ۱۵ - ۱۳)

میثم بن علی بن میثم بحرانی ملقب به کمال الدین و مشهور به «ابن میثم بحرانی» متولد سال ۶۳۶ ق از علمای بزرگ امامیه در قرن هفتم هجری است. او فقیه، محدث، فیلسوف، جامع معقول و منقول و آگاه به اسرار عرفانی است. ابن میثم مورد تقدیر و ستایش خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرای شیرازی، علامه حلی و سید عبدالکریم بن طاووس قرار گرفته است. در شرح حال او بیان کرده‌اند که ابن میثم نزد خواجه نصیر الدین طوسی علوم عقلی را فراگرفت و خواجه از وی فقه آموخت. (امین، ۱۴۰۳: ۱۰ / ۱۹۷)

ابن میثم بحرانی آثار بسیاری نگاشته است که از جمله آنها می‌توان به سه شرح کبیر، صغیر و متوسط او بر نهج البلاغه اشاره کرد. این شرح‌ها با نام‌های *مصباح السالکین* (۶۷۷ ق)، *اختیار مصباح السالکین* (۶۸۱ ق) و *منهاج العارفين فی شرح کلمات امیرالمؤمنین* مشهور است. درباره سال وفات او اختلاف بسیاری دیده می‌شود، چنان‌که بین سال ۶۷۹ تا ۶۹۹ ق درگذشت او را بیان کرده‌اند. (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۴ / ۱۴۹)

ویژگی‌های شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و ابن میثم

شرح ابن میثم (۶۷۷ ق) حدود سی سال بعد از شرح ابن ابی الحدید (۶۴۴ ق) نوشته شده است. برای مقایسه بهتر این دو شرح باید با ویژگی‌های آن دو آشنا شد. در ادامه، اشاره مختصری به این ویژگی‌ها می‌شود:

یک. ویژگی‌های شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید

نگارش شرح ابن ابی الحدید تحولی بنیادین در نگارش شرح نهج البلاغه به‌شمار می‌رود؛ زیرا وی افزون بر این که بر ادبیات عرب تسلط داشته و اشعاری نیکو سروده، بر تاریخ، فقه و کلام نیز احاطه داشته است. (حسینی خلیب، ۱۳۶۷: ۲۳۰) تصنیف این کتاب در چهار سال و هشت ماه (۶۴۹ - ۶۴۴ ق) به طول انجامید. او این اثر را در بیست جزء و به نام ابن علقمی نوشته است. (ابن طقطقی، ۱۳۶۰: ۴۲۳ - ۴۲۲) این شرح به زبان عربی است و دو ترجمه گزینشی و کامل از آن به زبان فارسی از آقایان محمود مهدوی دامغانی و غلامرضا لایقی موجود است.

یکی از مهمترین عوامل نگارش این شرح توسط ابن ابی الحدید علاقه زیاد ابن علقمی، وزیر



آخرین خلیفه عباسی، به ادیبان بود. ابن علقمی سعی می‌کرد اهل دانش را به خود نزدیک کند و کتاب‌های نفیس و فراوان گرد آورد. او چون شیعه بود از ابن‌ابی‌الحدید درخواست کرد شرحی بر نهج‌البلاغه بنویسد. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵: ۱۲ - ۹)

شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید نشان‌دهنده گرایش‌های معتزلی او است. وی در آغاز کتاب، بیان می‌کند که همه شیوخ معتزلی به صحت شرعی بیعت با خلیفه نخست معتقدند. او هم‌سو با مکتب معتزله بغداد، امام علی علیه السلام را برتر از خلفای پیشین می‌شمارد، هر چند معتقد است که هیچ نصی بر خلافت امیرمؤمنان علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله در دست نیست. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: مقدمه؛ مطهری، ۱۳۶۷: ۱۵۰ - ۱۴۹)

بنابراین شرح نهج‌البلاغه ابن‌ابی‌الحدید با وجود امتیازهای فراوان، تنها یک ضعف بارزی دارد و آن این است که شرح‌نویس چون معتزلی است، سعی می‌کند در بعضی مواقع کلام امام علی علیه السلام را توجیه کند اما نسبت به سایر متفکران اهل سنت منصفانه‌تر عمل می‌کند از این رو اگر او عناد نداشت از بهترین مؤلفین به‌شمار می‌آمد. (حسینی خطیب، ۱۳۶۷: ۲۳۰)

دو. ویژگی‌های شرح نهج‌البلاغه ابن‌میثم

برخی معتقدند ابن‌میثم بحرانی سه شرح بر نهج‌البلاغه نگاشته است، اما با توجه به گفتار شیخ آقابزرگ تهرانی در *الدریعه* چنین به‌نظر می‌رسد که ابن‌میثم، شرح سومی به‌طور کامل بر نهج‌البلاغه نداشته است و احتمالاً شرح شماری از کلمات قصار نهج‌البلاغه توسط وی به نام *منهاج العارفين* به نگارش رسیده است. (ر.ک: آقابزرگ تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۴ / ۱۴۹)

ابن‌میثم شرح کبیر خود را برای علاء‌الدین عطاء‌الملک جوینی (۶۸۰ ق) نگاشت و چنان‌که خود در مقدمه شرح اشاره کرده است، دیدن اشتیاق علاء‌الدین عطاء‌الملک جوینی حاکم با کفایت بغداد، برای کشف حقایق نهج‌البلاغه و شوق وی برای آگاهی یافتن اسرار و دقائق این کتاب او را به این تألیف واداشته است. (ابن‌میثم، ۱۴۲۷: ۱ / ۲۳ - ۲۱) شرح متوسط ابن‌میثم نیز، اختصار شرح کبیرش است و چنان‌که در ابتدای آن تصریح کرده، آن را از شرح کبیر خودش برای دو پسر عطاء‌الملک جوینی (محمد و علی) استخراج کرده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۴ / ۱۵۰ - ۱۴۹)

در این مقاله شرح *مصباح السالکین* یا شرح کبیر ابن‌میثم بررسی می‌شود. شرح نهج‌البلاغه *مصباح السالکین*، شرح کبیر ابن‌میثم در سال ۶۷۷ ق در پنج جلد به زبان عربی نگارش یافت که ترجمه آن به زبان فارسی نیز موجود است. البته در این پژوهش از متن عربی این اثر استفاده



شده است. جامعیت ابن میثم در علوم عقلی و نقلی باعث شد که سبک شرحش به صورت کلامی، فلسفی و ادبی باشد.

در شرح ابن میثم بحرانی از علوم مختلفی که برای تبیین کتاب نهج البلاغه ضروری است استفاده شده است. بعضی از این علوم عبارت است از: علم لغت، علوم بلاغت، اصول فقه، علم کلام، منطق، فقه، شرح الامثال، تاریخ و غیره.

ابن میثم در شرح کبیرش تنها به ذکر اقوال و آثار پیشینیان اکتفا نکرده است بلکه براهین عقلی و استدلال‌های منطقی نیز بر شرح او سایه افکنده است. او شرح خود را بعد از قطب راوندی (۵۷۳ ق) و ابن ابی الحدید (۶۵۶ ق) نوشته است، به همین علت بسیاری از انتقادهای شرح معتزلی بر قطب راوندی را مورد تحلیل و نقد قرار داده است. (پهلوان، ۱۳۸۶: ۴۶ - ۳۳)

شرح نهج البلاغه ابن میثم با وجود امتیازهای فراوان، دارای اشکال‌هایی است؛ نخست آنکه ابن میثم به خاطر دیدگاه فلسفی‌اش تأویل‌های غیرصحیح زیادی در شرحش مرتکب شده است، دوم آنکه اطلاعات تاریخی او اندک بوده و در این موارد نیز اشتباهاتی دارد. (شوشتری، ۱۳۷۶: ۱ / ۲۴) پس از آشنایی مختصر با ویژگی‌های دو شرح ابن ابی الحدید و ابن میثم بر نهج البلاغه، به بررسی یکی از اختلاف‌های دیدگاهی آنها در مفهوم ایمان پرداخته می‌شود.

مقایسه مفهوم ایمان از دیدگاه معتزله و امامیه

برای مقایسه مفهوم ایمان در شرح ابن ابی الحدید معتزلی با شرح ابن میثم امامی نیاز است که دیدگاه معتزله و امامیه نسبت به تعریف ایمان بیان گردد، به همین منظور نخست مفهوم لغوی ایمان که در هر دو دیدگاه مشترک است، بیان می‌شود. سپس مفهوم اصطلاحی ایمان که میان آنها متفاوت است تبیین می‌گردد.

یک. مفهوم لغوی ایمان

ایمان مصدر باب افعال از ریشه «امن» و به معنای تصدیق است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۳۸۸) اگر این لفظ با حرف «باء» متعدی شود به معنای اقرار و اعتراف کردن است و اگر متعدی نشود به معنای محکم کردن می‌باشد، چنان که اهل لغت عبارت «يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره / ۳) را به معنای «يعترفون به؛ به آن اعتراف می‌کنند» یا «يثقون به؛ به آن اطمینان می‌کنند» می‌دانند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۴۰؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۱ / ۱۴۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱ / ۶۵؛ قاضی عبدالجبار، بی تا: ۴۸)



دو. مفهوم اصطلاحی ایمان از دیدگاه معتزله

معتزله از معنای لغوی ایمان (تصدیق) به معنای شرعی آن عدول می‌کنند. براساس مبانی آنها ایمان جزو اسماء مدح و تعظیم (مستحق پاداش) به‌شمار می‌آید و ارتباط با معنای لغوی ندارد. آنها برای این مبنا دلایلی نیز ذکر می‌کنند که مهم‌ترین آن عبارتند از:

۱. خدا در آیاتی از جمله آیه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون / ۱) اسم مومن را با مدح و تعظیم بیان می‌کند. پس مومن از اسماء مدح به حساب می‌آید؛

۲. در شریعت از معنای لغوی صلاه و صوم (دعا و اسماک) و غیره به معنای شرعی آن؛ یعنی نماز و روزه عدول شده است؛ پس می‌توان این کار را برای معنای ایمان انجام داد. (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲: ۴۷۶)

ایمان از نظر اصطلاح عرف شرعی بین مسلمانان اختلاف نظر وجود دارد؛ گروهی از جمله: معتزله، خوارج، زیدیه و اهل حدیث معتقدند ایمان اسمی است که اعتقاد قلبی همراه با اقرار زبانی و عمل به اعضاء را شامل می‌شود، معتزله در این معنا به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱. عده‌ای از آنها مانند واصل بن عطا، ابوهدیل و قاضی عبدالجبار معتقدند که ایمان عبارت است از انجام همه طاعات که شامل واجب و مستحب می‌شود.

۲. گروهی دیگر معتقدند ایمان فقط به انجام واجبات تعلق دارد و مستحبات را شامل نمی‌شود. ابوعلی جبایی و ابوهاشم از این گروه هستند.

۳. گروه آخر ایمان را شامل دوری از هر آنچه وعید در مورد آن آمده است، می‌دانند. نظام معتقد به این معنا است. (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۱ / ۱۴۱؛ طوسی، بی‌تا: ۱ / ۵۵؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲ / ۲۷۴؛ حلی، ۱۴۲۳: ۲ / ۹۲)

افزون بر دسته‌بندی‌های فوق، معتزله برای اثبات مدعای خویش به دلایلی متوسل شده‌اند که به چند مورد اشاره می‌شود:

الف) مومن کسی است که حکم مدح و تعظیم (مستحق پاداش) شامل او می‌شود و کسی که عمل می‌کند شایستگی این احکام را دارد؛ بنابراین عمل جزو ایمان به‌شمار می‌آید. (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۷: ۷۰۲)

ب) آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَعُوفٌ رَحِيمٌ» (بقره (۲): ۱۴۳) بیانگر آن است که انجام واجبات جزئی از مفهوم ایمان به‌شمار می‌آید. (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۷: ۷۰۸)



ج) براساس آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ، زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُبْقِيُمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا * لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال / ۴ - ۲) مومن در حالی که خوف قلبی دارد، اقامه نماز می‌کند. این معنا بیانگر آن است که اعمال ذکر شده (تلاوت قرآن، توکل، نماز، انفاق) در مفهوم ایمان داخل می‌شوند. (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۶: ۱۵۷)

سه. مفهوم اصطلاحی ایمان از دیدگاه امامیه

بیشتر متکلمان امامیه، ایمان را تصدیق قلبی همراه با اقرار زبانی می‌دانند و عمل را از لوازم ایمان معرفی می‌کنند. (حلی، ۱۴۲۳: ۲ / ۹۶؛ طوسی، بی‌تا: ۱ / ۵۴؛ سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۶ - ۱۳؛ همو، ۱۴۱۲: ۴ / ۳۱۶؛ مکدموت، ۱۳۷۲: ۴۷۵)

امامیه برای اثبات مدعای خویش دلایلی را ذکر می‌کنند که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. بسیاری از آیات قرآن، ایمان را در کنار عمل صالح آورده است، مانند: «وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا» (طلاق / ۱۱). «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ» (نور / ۵۵) از این رو اگر ایمان و عمل متلازم یکدیگر هم باشند با هم فرق می‌کنند؛ چون ایمان و عمل یکدیگر را کامل می‌کنند. بنابراین اگر ایمان در عمق جان باشد حتماً آثارش در عمل تجلی می‌کند؛ مانند چراغی که اگرچه نورش در اتاق است، اما نورش از همه پنجره‌های اتاق می‌تابد، پس ایمان مانند ریشه درخت است و عمل صالح میوه‌های آن درخت می‌باشد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۱ / ۱۳۱)

۲. در آیاتی از قرآن کریم ایمان شرط صحت و قبولی اعمال معرفی شده است، مانند: «وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ» (طه / ۷۵)

بنابراین امامیه ایمان را تنها تصدیق به قلب و اقرار به زبان می‌دانند و انجام طاعات و دوری از گناهان را از آثار ایمان و مترتب بر آن می‌شمارند. (معرفت، ۱۴۱۵: ۳ / ۳۸۳؛ سبحانی، ۱۴۲۷: ۲ / ۴۸) برخلاف آن، معتزله عمل را جزئی از ایمان به‌شمار می‌آورند و در تعریف ایمان، عمل را وارد می‌کنند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۶؛ ابوزید، ۱۹۹۸: ۱۵۳؛ مکدموت، ۱۳۷۲: ۴۷۵)

چهار. مقایسه مفهوم ایمان در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و ابن میثم

برای مقایسه مفهوم ایمان در دو شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و ابن میثم، ضرورت دارد نخست



شرح کلام امام علی علیه السلام درباره ایمان بررسی شود تا میزان تأثیرپذیری این دو شارح از مبانی کلامی‌شان در شرح ایمان شخص گردد.

۱. بیان دیدگاه‌های مختلف درباره مفهوم ایمان

ابن‌ابی‌الحدید در شرح نخستین خطبه نهج‌البلاغه، بیان می‌کند که جایگاه «مدح و شکر» نظیر ایمان است؛ چون اقرار زبانی به تنهایی کفایت نمی‌کند، بلکه به تصدیق قلبی نیز احتیاج دارد. وی به این مطلب اشاره می‌کند که اکثر متکلمین در معنای ایمان، اقرار زبانی را با اعتقاد قلبی همراه می‌دانند. بعضی از متکلمین مثل اشاعره و امامیه فقط به آن دو اکتفا کردند. بعضی دیگر مانند معتزله امور دیگری از جمله انجام واجب و دوری از گناه را با آن همراه کرده‌اند. تنها کرامیه هستند که مجرد اقرار زبان را در تعریف ایمان آورده‌اند. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: ۱ / ۵۸)

در مقابل، ابن‌میثم در یک مورد برای تبیین کلام حضرت، عمل را یک بار داخل تعریف ایمان مطرح می‌کند و بار دیگر خارج از تعریف ایمان که در همان جا نیز دیدگاه خویش را یادآور می‌شود، اما هیچ اشاره‌ای به دیدگاه‌های مختلف کلامی پیرامون مفهوم ایمان نمی‌کند. در ذیل مختصری از سخن وی به‌عنوان شاهد مثال بیان می‌شود. ابن‌میثم در شرح کلام امام علیه السلام که می‌فرماید: «جَانِبُوا الْكَذِبَ فَإِنَّهُ مُجَازِبٌ لِلْإِيمَانِ (خطبه ۸۶) از دروغ دوری کنید، که دروغ از ایمان دور است» بیان می‌کند که اگر کارهای شایسته داخل در مفهوم ایمان باشند، پس راستگویی هم از جمله کارهای شایسته داخل در مفهوم ایمان خواهد بود و چون دروغگویی با راستگویی در تضاد است، پس با ایمان هم ضدیت دارد، اما اگر کارهای شایسته را در مفهوم ایمان داخل ندانیم می‌گوییم: دروغ از بزرگترین ردایل بازدارنده از حق است و ایمان از بزرگترین فضایل نجات‌دهنده به‌شمار می‌آید؛ چون میان ردایل و فضایل ذاتاً منافات است، پس دروغ با ایمان منافات داشته و مخالف آن می‌باشد. (ابن‌میثم، ۱۴۲۷: ۲ / ۴۰۸)

۲. شرح کلام امام علیه السلام بر اساس دیدگاه منتخب دو شارح

با بررسی دو شرح ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم دانسته می‌شود که دیدگاه کلامی آنها در مورد ایمان بر شرح آنان بر نهج‌البلاغه بسیار تأثیر گذاشته است به گونه‌ای که خواننده تصور می‌کند مقصود امام همان است که شارح بیان نموده است.

یکم. شرح کلام امام علیه السلام بر اساس دیدگاه معتزله

دیدگاه معتزلی ابن‌ابی‌الحدید در شرح کلام امام علی علیه السلام بسیار تأثیر گذاشته است، چنان که در بعضی



از اقوال به تفکیک معنای لغوی و شرعی که دیدگاه معتزله است، اشاره می‌نماید. در اینجا مصداق‌هایی که این تقسیم‌بندی صورت گرفته است، بیان می‌گردد. در قسمت بعد نیز به مواردی اشاره می‌شود که ابن‌ابی‌الحدید در شرح آنها به این تفکیک نپرداخته است.

- بیان تفکیک معنای لغوی و شرعی

امام علی علیه السلام در خطبه‌ای ارکان دین را چنین توصیف می‌کند:

إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ فَإِنَّهُ ذُرْوَةُ الْإِسْلَامِ وَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ. (خطبه ۱۱۰)

برترین چیزی که اهل توسل با تمسک به آن به خدای سبحان توسل جستند، عبارت است از: ایمان به خدا و رسولش و جهاد در راهش که قله بلند اسلام است و کلمه اخلاص که فطرت آدمی بر آن است.

ابن‌ابی‌الحدید در شرح این خطبه بیان می‌کند که ایمان در اینجا تنها تصدیق قلبی است. امام علی علیه السلام، اقرار به زبان و انجام واجب و ترک گناه را در این کلام در نظر نگرفته‌اند. در ادامه اشاره می‌کند که اگر چه گروهی از متکلمین ایمان را تنها تصدیق قلبی بیان می‌کنند، ولی اصل لغت به معنای تصدیق است، چنانچه خدای متعال می‌فرماید:

وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا. (یوسف / ۱۷)
تو ما را تصدیق نخواهی کرد.

در پایان، ابن‌ابی‌الحدید می‌گوید اعتقاد ما در مفهوم ایمان بر اساس این کلام باطل نمی‌شود، برای این که معتقدیم معنای شرعی، مفهوم دومی است، همان‌طور که در نماز و زکات و غیره اعتقاد داریم. (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲: ۴۷۶) در پایان نیز بیان می‌کند که بین دیدگاه معتزله و کلام امام علی علیه السلام منافاتی وجود ندارد. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: ۷ / ۲۲۱)

امام علی علیه السلام در جای دیگر در بازشماری راه‌آورد ایمان چنین می‌فرماید:

فَبِالْإِيمَانِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَ بِالصَّالِحَاتِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ. (خطبه ۱۵۶)
به واسطه ایمان است که به کارهای شایسته می‌توان راه برد و به کارهای شایسته است که ایمان افراد دانسته می‌شود.

در شرح این خطبه نیز ابن‌ابی‌الحدید بیان می‌کند که منظور از ایمان در جمله «فَبِالْإِيمَانِ يَسْتَدَلُّ



عَلَى الصَّالِحَاتِ» مفهوم لغوی است، برای این که ایمان در لغت به معنای تصدیق است و دوباره آیه «وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا» (یوسف / ۱۷) را به عنوان شاهد مثال می‌آورد. او بر اساس معنای لغوی ایمان، عبارت امام علیه السلام را چنین معنا می‌کند: «منظور از عبارت، کسی است که وحدانیت و رسالت نزد او تصدیق شود.» در ادامه بیان می‌کند که این دو کلمه (تصدیق و وحدانیت و رسالت) بر وجوب اعمال صالح یا مستحبی دلالت می‌کند، چون مسلمان از دین پیامبرش صلی الله علیه و آله، اعمال صالحی که واجب و مستحب است را می‌شناسد. در پایان بحث با در نظر گرفتن معنای لغوی این گونه نتیجه‌گیری می‌کند که ایمان بر کارهای صالح مستدل می‌شود.

ابن‌ابی‌الحدید عبارت دیگر خطبه «وَبِالصَّالِحَاتِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ» را به معنای شرعی ایمان گرفته است که اعتقاد قلبی و اقرار به زبان و عمل به جوارح را شامل می‌شود. پس نتیجه می‌گیرد، زمانی کسی مومن است که همه کارهای واجب را انجام دهد و از کارهای قبیح اجتناب نماید. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: ۹ / ۲۰۰)

- تفکیک نکردن معنای لغوی و شرعی

ابن‌ابی‌الحدید در شرح برخی از اقوال که با معنای شرعی ایمان می‌توانسته سخن امام علیه السلام را توجیه کند، دیگر به معنای لغوی اشاره نکرده است و با دیدگاه معتزلی خود کلام را تبیین می‌کند. در ادامه به سه مصداق اشاره می‌شود:

او ذیل کلام «وَمُجَالَسَهُ أَهْلَ الْهَوَىٰ مَنْسَاهُ لِلْإِيمَانِ» (خطبه ۸۶)، هم‌نشینی با اهل هوی و هوس ایمان را به فراموشی می‌سپارد. بیان می‌کند که ایمان، اعتقاد و عمل است. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: ۶ / ۳۵۶)

در بیانی از امام علی علیه السلام که به خطبه هم‌ام مشهور است و حضرت ویژگی‌های متقین را می‌شمارد، چنین آمده است: «فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَىٰ لَهُ... وَإِيمَانًا فِي يَقِينٍ» (خطبه ۱۹۳)؛ از دیگر نشانه‌های انسان پرهیزکار آن است که ... دارای ایمانی همراه یقین است. ابن‌ابی‌الحدید در شرح این فراز چنین بیان می‌کند که ایمان چگونه یقین باشد در حالی که ایمان اعتقاد همراه با عمل است. در صورتی که یقین تنها سکون قلب است، پس یکی از آنها غیر از دیگری است. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: ۱۰ / ۱۵۰)

ابن‌ابی‌الحدید ذیل حکمت «وَعَبْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ» (حکمت ۱۲۴)؛ غیرت ورزیدن مرد (بر همسرش) ایمان است. چنین می‌نویسد: این مسئله به عقل و استحکام مرد برمی‌گردد؛ چون مرد عاقل‌تر و مستحکم‌تر است، پس غیرت برای مرد در جایگاه و موضع خودش است، بنابراین غیرت برای مرد

واجب است؛ چون نهی از منکر واجب و انجام واجبات نیز از ایمان است. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: ۱۸ / ۳۱۲)
بنابراین ابن‌ابی‌الحدید در شرح سه فرمایش فوق از امام علی علیه‌السلام، ایمان را اعتقاد همراه با عمل معرفی می‌کند.

دوم. شرح سخنان امام علیه‌السلام بر اساس دیدگاه امامیه

دیدگاه کلامی ابن‌میثم در شرح کلام امام علی علیه‌السلام بسیار تأثیر گذاشته است، چنان‌که در بعضی موارد تعریف ایمان را همان تصدیق می‌داند و عمل را جزء آثار ایمان برشمرده است. در موارد فراوانی نیز انجام عمل صالح را جزء ایمان کامل به‌شمار می‌آورد، در اینجا به برخی از مصداق‌هایی که این تقسیم‌بندی صورت گرفته است، اشاره می‌گردد.

- تعریف ایمان بر اساس دیدگاه کلامی ابن‌میثم

ابن‌میثم ذیل حکمت ۳۱ نهج‌البلاغه ایمان کامل را دارای یک اصل و چند کمال می‌داند که به‌وسیله آن کمالات ایمان به تمام و کمال می‌رسد. براساس دیدگاه ابن‌میثم، اصل ایمان، عبارت است از تصدیق و باور داشتن وجود آفریدگار بزرگ، با همه صفات کمال و اوصاف جلال و به آنچه در کتاب‌های الهی نازل گشته و ابلاغ گردیده است. در ادامه ابن‌میثم چنین بیان می‌کند: کمالاتی که ایمان به‌وسیله آنها کامل می‌گردد، عبارتند از سخنان مطابق با واقع، اخلاق پسندیده و عبادات.

بنابراین ابن‌میثم اصل ایمان و شاخه‌های تکمیل‌کننده آن را همان کمال نفس آدمی می‌داند؛ زیرا نفس آدمی دارای دو نوع قوه علمی و عملی است و کمال آن نیز به کمال این دو بستگی دارد. پس اصل ایمان کمال قوه علمی است و متمم‌های آن؛ یعنی اخلاق پسندیده و عبادات، کمال قوه عملی است. لذا اصول و پایه‌های فضایل اخلاقی که باعث کمال ایمان هستند چهار مورد است: «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ، وَالْيَقِينِ، وَالْعَدْلِ، وَالْجِهَادِ» (حکمت ۳۱)؛ ایمان بر چهار پایه استوار است بر: شکیبایی، یقین، عدالت و جهاد». منظور از کلمه «دعائم» نیز آن است که وجود ایمان کامل - مانند پایه‌های خانه - به آنها وابسته است. (ابن‌میثم، ۱۴۲۷: ۵ / ۲۵۴)

ابن‌میثم در جایی دیگر ارکان و قواعد ایمان را انجام دادن کارهای شایسته و اعمال صالح می‌داند. (ابن‌میثم، ۱۴۲۷: ۲ / ۴۰۸) در صورتی که اگر مخاطب شرح ابن‌میثم از دیدگاه او و همچنین تعریفی که او از ایمان دارد اطلاعی نداشته باشد، طبق سخن فوق فکر می‌کند که عمل جزء ایمان است، درحالی که بر اساس کلام حضرت علیه‌السلام که عمل را جز ارکان (دعائم) می‌داند، ابن‌میثم این اصطلاح را مطرح کرده است. (ابن‌میثم، ۱۴۲۷: ۵ / ۲۵۴)





ابن میثم در موارد زیادی تعریف ایمان را ذیل شرحش بیان کرده است که در ادامه به چند مصداق آن اشاره می‌شود:

او در تبیین فرمایش امام علی علیه السلام در خطبه همّام که داشتن ایمانی همراه یقین را از نشانه‌های پرهیزکاران ذکر می‌کند: «فَمِنْ عَلَامَةِ أَحَدِهِمْ أَنَّكَ تَرَى لَهُ ... وَ إِيْمَانًا فِي يَقِينٍ ...» (خطبه ۱۹۳) چنین می‌نویسد:

ایمان متقین در حدّ یقین است؛ چون ایمان عبارت از تصدیق وجود آفریدگار جهان و آنچه دین از جانب او برای بشر آورده است. این تصدیق شدت و ضعف پیدا می‌کند. گاهی بر حسب تقلید است؛ یعنی اعتقادی مطابق با واقع، ولی مستند به انگیزه و دلیل نیست. در مواقع دیگر تصدیق، ناشی از علم و دانایی است و آن را علم الیقین می‌نامند. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۳ / ۵۱۵)

ابن میثم در شرح جمله «إِنَّ الْإِيْمَانَ يَبْدُو لَمْظَه فِي الْقَلْبِ كُلَّمَا أَزْدَادَ الْإِيْمَانُ أَزْدَادَتِ اللَّمْظَه» (کلمات غریب ۵)؛ ایمان به صورت نقطه‌ای سفید در دل ظاهر می‌شود و هر اندازه ایمان فزونی یابد آن نقطه سفید بزرگ‌تر می‌شود. «چنین می‌نگارد:

مقصود امام علیه السلام آن است که ایمان؛ یعنی باور داشتن وجود آفریدگار که در آغاز به صورت یک حالتی از نفس است، بعد به وسیله دلایل و اعمال شایسته استوارتر می‌گردد تا آنجا که به صورت ملکه کامل درمی‌آید. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۴۴۴ / ۵)

همچنین در تبیین عبارت «وَلَمْ تَرِ الشُّكُوكُ يَتَوَازَعِيهَا عَزِيْمَةٌ إِيْمَانِهِمْ» (خطبه ۹۱)؛ تیرهای شک و تردید خللی در ایمانشان ایجاد نکرد» معتقد است مقصود از استواری ایمان فرشتگان، تصدیقی است که لازمه ذاتی آنها به خدا و ویژگی‌های او است. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۲ / ۵۱۵) (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ابن میثم، ۱۴۲۷: ۱ / ۳۱۲ و ۲ / ۴۲۰)

– بیان مصداق‌های ایمان کامل بر اساس دیدگاه کلامی ابن میثم

ابن میثم براساس دیدگاه امامیه عمل را ثمره ایمان می‌داند و معتقد است که عمل باعث کمال ایمان می‌شود. او تمام کلام امام علی علیه السلام را با همین دیدگاه شرح می‌دهد. در این بخش، ابتدا ایمان کامل از نظر ابن میثم تبیین و سپس مصداق‌های آن بیان می‌شود.

تبیین ایمان کامل

ابن میثم در شرح عبارت «فَبِالْإِيمَانِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَبِالصَّالِحَاتِ يَسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ وَ بِالْإِيمَانِ يَعْمُرُ الْعِلْمُ وَ بِالْعِلْمِ يَرْهَبُ الْمَوْتُ» (خطبه ۱۵۶)؛ به واسطه ایمان است که به کارهای شایسته می‌توان راه برد و به کارهای شایسته است که ایمان افراد دانسته می‌شود. ایمان، بنای علم را آباد می‌کند و علم، آدمی را از مرگ می‌هراساند.» به تعریف ایمان چنین اشاره می‌کند: تصدیق قلبی به یگانگی خدا و به تمامی آنچه پیامبر اکرم ﷺ از جانب خدا آورده است. سپس در ادامه می‌فرماید: مراد از صالحات، اعمال شایسته از قبیل عبادات و محاسن اخلاق است که از طریق شرع وارد شده است. بسیار روشن است که ابن میثم در اینجا اعمال صالح را از آثار ایمان و ثمرات آن می‌داند. او بیان می‌کند که از باب دلالت علت بر معلول می‌توان چنین استدلال کرد: کسی که ایمان در قلب او جا گرفته و بر اعمال خود مراقبت می‌کند، صاحب ایمان است. همچنین از باب دلالت معلول بر علت می‌توان چنین حکم کرد: کسی که دارای عبادات و مکارم اخلاق است، صاحب ایمان می‌باشد.

ابن میثم همچنین در شرح عبارت «وَبِالْإِيمَانِ يَعْمُرُ الْعِلْمُ» در کلام حضرت ﷺ چنین بیان می‌کند که ایمان با تفسیری که از آن ذکر شد اگر با برهان و استدلال همراه شود، علم خواهد بود و این روح همه علوم است؛ چون با ثمرات علم که اعمال شایسته است، همراه شود به آن ایمان گفته می‌شود؛ زیرا کردار شایسته از کمالات ایمان است و بدون آن ایمان کامل نبوده و سودی در آن نیست. همچنین اگر علم با عمل مقرون نباشد فایده آن در آخرت اندک، بلکه بی‌فایده می‌باشد و مانند ویرانه‌هایی است که سودی از آن حاصل نیست و همان‌گونه که ویرانه قابلیت سکنا ندارد، علم خالی از عمل نیز فاقد سود و ارزش است. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۳ / ۳۲۵)

بیان مصداق‌های ایمان کامل

ابن میثم بیان می‌کند که مقصود امام علی ﷺ در برخی سخنان، بیان مصداق‌های ایمان کامل است. از جمله:

وی در تبیین عبارت «لَا يَسْتَقِيمُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَ لَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ» (خطبه ۱۷۶)؛ ایمان، کامل نمی‌شود مگر زمانی که زبان جز به حق سخن نگوید و بر آن استقامت ورزد، از زشت‌گویی‌ها باز ایستد.» بر این باور است که استقامت قلب عبارت از این است که خدا و پیامبرش ﷺ را تصدیق کند و به حقانیت اوامر و نواهی که از طریق شرع مقدس رسیده معتقد شود

و این عین ایمان و حقیقت آن است. بنابراین ایمان مستقیم نمی‌شود، مگر هنگامی که دل مستقیم گردد. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۳ / ۴۳۶)

ابن میثم ذیل فرمایش امام علی علیه السلام در بازشماری ارکان دین که می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى الْإِيمَانُ بِهِ وَ بَرَسُولِهِ وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ فَإِنَّهُ ذِرْوَةٌ الْإِسْلَامِ وَ كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ فَإِنَّهَا الْفِطْرَةُ» (خطبه ۱۱۰)؛ معتقد است که امام علیه السلام در این خطبه به برترین وسایلی که انسان را به خدای سبحان نزدیک می‌گرداند و آن ایمان کامل است، اشاره فرموده و ایمان به خدا همان گواهی بر هستی اوست و این اصل و پایه ایمان است. ابن میثم پس از تعریف ایمان، مصداق‌هایی که در خطبه به آن اشاره نموده را جزء لوازم و مراتب کمال ایمان می‌داند از جمله:

۱. التصدیق برسوله،
۲. الجهاد فی سبيله
۳. کلمه الاخلاص.

در ادامه بیان می‌کند، علت این که حضرت علی علیه السلام گواهی بر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را بر دیگر عبادات مقدم داشته برای این است که ایمان به نبوت اصل و پایه عبادات است و بدون داشتن اعتقاد به آن، هیچ عبادتی صحیح نیست.

ابن میثم در انتهای شرح کلام فوق اشاره می‌نماید که امام علی علیه السلام پس از فراغ از بیان آنچه موجب کامل شدن مراتب ایمان می‌شود، به ذکر اموری که ایمان را در دل استوار و پایدار می‌سازد، می‌پردازد که عبارت است از:

۱. پیوسته به یاد خدا بودن و به ذکر او شتافتن؛
۲. علاقه‌مندی به وعده‌های داده شده به پرهیزکاران؛
۳. پیروی از هدایت پیامبر صلی الله علیه و آله؛
۴. پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله؛
۵. آموختن قرآن. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۳ / ۱۱۷)

مصداق‌های دیگر ایمان کامل از زبان ابن میثم به اجمال عبارتند از:

الف) صدقه دادن به منزله نگهداری برای ایمان کامل است، چنان که در کلام «سُوِّوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ (حکمت ۱۴۶)؛ ایمان خود را با صدقه نگاه دارید» به آن اشاره شده است. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۴۲۰ / ۵)

ب) نماز و روزه از کمال ایمان و نوعی ریاضت معنوی است و دوری زنان از این ریاضت به هنگام عادت ماهیانه موجب نقص ایمان‌شان می‌شود. شاهد این امر عبارت ذیل است: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ الْبِسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ... فَأَمَّا نُقْصَانُ إِيمَانِهِنَّ فَقُعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ (خطبه ۸۰)؛ ای مردم! در زنان ایمان (در مقایسه با مردان) نقص دارند ... اما نقص ایمانشان به خاطر معاف بودن از نماز و روزه در ایام حیض است». (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۲ / ۳۰۷)



ج) ایمان بنده‌ای کامل نمی‌شود تا این که برای برادرش بیسند آنچه را که برای خود می‌پسند و برای او نپسند آنچه را که برای خود نمی‌پسند و این کار از کمال فضیلت عدالت است؛ عدالتی که باعث کمال ایمان می‌شود، چنان که در جمله «يَا بُنَيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ، فَأُخِيبَ لِعَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَاصْرِفْ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا» (نامه ۳۱)؛ پسر! خود را میزان میان خود و دیگران قرار بده. آنچه را برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بیسند و آنچه را برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نیز نپسند.» به این امر اشاره شده است. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۵ / ۳۴)

ابن میثم در مواردی دیگر همه کلام حضرت علیه السلام را مصداق ایمان کامل می‌داند، از جمله: «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (حکمت ۲۲۷)؛ ایمان با دل شناختن، با زبان اقرار کردن و با اعضاء عمل کردن است» (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۵ / ۴۳۵)؛ «الْإِيمَانُ عَلَيَّ أَرْبَعٌ دَعَائِمٌ: عَلَيَّ الصَّبْرُ، وَالْيَقِينُ، وَالْعَدْلُ، وَالْجِهَادُ» (حکمت ۳۱)؛ ایمان بر چهار پایه استوار است: بر شکیبایی، یقین، عدالت و جهاد». (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۵ / ۲۵۴)

بنابراین بر اساس دیدگاه ابن میثم، عمل جزء مفهوم ایمان نیست، لذا ایمان با پلیدی نفس و بدی اخلاق سودمند نمی‌شود، بلکه انسان باید بذر ایمان را در نفس خود بیفشانند و در فراهم آوردن بعضی اسباب و عوامل آن کوتاهی نکنند، ولی اگر از قواعد ایمان چیزی را در نفس خود به وجود نیاورد و یا نفس خود را از آلوده شدن به اخلاق رذیله رها سازد و در به‌دست آوردن آفات دنیا اصرار ورزد و با این وصف امید مغفرت و فضل خدا را داشته باشد، این انتظار خودفریبی است و امید حقیقی به حساب نمی‌آید. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۱ / ۵۰۴)

۳. تأیید دیدگاه معتزلی بر اساس کلام امام علیه السلام

در این بخش مشخص می‌گردد که ابن ابی الحدید در بعضی مواقع از کلام امام علی علیه السلام برای تأیید دیدگاه کلامی خود در مفهوم ایمان استفاده کرده است. در صورتی که در شرح ابن میثم چنین برداشتی دیده نمی‌شود. در ذیل به‌طور تفصیل استدلال ابن ابی الحدید در این زمینه بیان می‌گردد. او در شرح خود از دو کلام حضرت، چنین برداشت کرده که امام علی علیه السلام دیدگاه معتزلی را در مفهوم ایمان تأیید کرده‌اند.

مورد نخست به توجیه وی ذیل فرمایش امام علی علیه السلام بازمی‌گردد که حضرت پیرامون تفاوت‌های زن و مرد پس از جنگ جمل چنین فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ الْبِسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ... فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَقَعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ» (خطبه ۸۰) ابن ابی الحدید بر این باور است چون حضرت، علت نقصان ایمان را نقصان در نماز مطرح کردند، پس قول اصحاب معتزله



در این خطبه تأیید شده است. او این چنین استدلال می‌آورد: ایمان در دیدگاه معتزله، شامل اعمال نیز می‌شود. بنابراین اگر کسی به توحید و نبوت اقرار کند، در حالی که عمل را ترک کند مومن نیست. در پایان بحث نیز اشاره می‌کند که منظور از این خطبه «عایشه» است که در نزد معتزله عایشه اگر چه خطا کرده است، ولی قبل از مرگ توبه نموده است. پس با ایمان از دنیا رفته و اهل بهشت است. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: ۶ / ۲۱۴)

مورد دوم به توجیه ابن‌ابی‌الحدید ذیل یکی از کلمات قصار امیرمؤمنان علیه السلام بازمی‌گردد، چنان‌که آمده است:

وَقَدْ سُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ فَقَالَ: الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ.
(حکمت ۲۲۷)

از علی علیه السلام سؤال شد. ایمان چیست؟ فرمود ایمان با دل شناختن، با زبان اقرار کردن و با اعضاء عمل کردن است.

ابن‌ابی‌الحدید معتقد است که این کلام امام علیه السلام، همان دیدگاه اصحاب معتزله است؛ زیرا عمل به ارکان نزد آنها در معنای ایمان داخل می‌شود؛ یعنی کسی که واجبات را انجام ندهد، مومن نامیده نمی‌شود، اگر چه به قلبش معرفت وارد شده و با زبانش اقرار کرده باشد. در انتهای بحث نیز اشاره می‌کند که این اعتقاد خلاف دیدگاه اشاعره، امامیه، مرجئه و حشویه است. مطلب دیگر اینکه ابن‌ابی‌الحدید به روشنی بیان نکرده که خودش مستحبات را شامل اعمال می‌داند یا نمی‌داند، فقط اشاره کرده که اصحاب معتزله در این زمینه اختلاف دارند و بیان می‌کند که برای اطلاعات بیشتر به کتب کلامی مراجعه شود. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: ۱۹ / ۵۱)

۴. ترجیح دیدگاه معتزلی بر اساس کلام امام علیه السلام

ابن‌ابی‌الحدید برخلاف ابن‌میثم در شرح خطبه‌ای پا را فراتر گذاشته و معتقد است که مفهوم ایمان در دیدگاه معتزله بهتر از دیدگاه‌های دیگر است، چنان‌که عبارت «وَبِالْإِيمَانِ يَغْمَرُ الْعِلْمُ» (خطبه ۱۵۶)؛ ایمان بنای علم را آباد می‌کند» را چنین شرح می‌دهد: عالمی که به علمش عمل نمی‌کند، نهایت ضرر را می‌رساند. پس گویا علم او ویران کننده است. علم انسان فقط با ایمان آباد می‌شود در صورتی که کار واجب انجام دهد و از کار زشت اجتناب کند. ابن‌ابی‌الحدید در انتهای شرح این خطبه نتیجه می‌گیرد که در مذهب معتزله عمل با جوارح در مفهوم ایمان است، پس قول معتزله از همه اقوال بهتر است. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۹۸: ۹ / ۲۰۰)

۵. اشاره نکردن به مفهوم ایمان در برخی موارد

ابن ابی الحدید و ابن میثم در همه سخنان امام علی علیه السلام که به ایمان اشاره دارد، به تبیین مفهوم ایمان نمی‌پردازند. این امر به خاطر این است که جایگاه فرمایش امام علی علیه السلام به مصداق‌های دیگری از جمله توکل، صدقه، زکات و غیره اختصاص داشته است. از جمله:

امام علیه السلام درباره راه حفظ ایمان و دفع بلا چنین توصیه می‌کند: «سُوسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَحَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ وَادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالذَّعَاءِ» (حکمت ۱۴۶)؛ ایمان خود را با صدقه نگاه دارید، دارای‌هایتان را با زکات محفوظ سازید و امواج بلا و گرفتاری را با دعا از خود دور نمایید. ابن ابی الحدید در شرح این عبارت تنها اشاره می‌کند که کلام امام علیه السلام در مقام بیان صدقه، زکات و دعا است. (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۸: ۱۸ / ۳۴۵)

همچنین حضرت علیه السلام در سخنی در توصیف جایگاه نور ایمان در قلب چنین می‌فرماید: «إِنَّ الْإِيمَانَ يَبْدُو لُطْفَهُ فِي الْقَلْبِ كُلَّمَا زَادَ الْإِيمَانُ زَادَتْ اللَّطْفَةُ» (کلمات غریب ۵)؛ در این عبارت ابن ابی الحدید تنها دو نکته را اشاره می‌کند: نخست اعراب «لمطفه» را بیان می‌کند و در مرتبه دوم یادآور می‌شود که این حدیث برای کسانی است که کم یا زیاد شدن ایمان را انکار می‌کنند. (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۸: ۱۹ / ۱۱۱)

در کلامی امام علیه السلام نشانه صداقت در ایمان را چنین وصف می‌کند: «لَا يَصْدُقُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَكُونَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِهِ» (حکمت ۳۱۰)؛ ایمان بنده راست نباشد مگر آنکه اعتمادش به آنچه نزد خداست بیشتر از اعتمادش به آنچه نزد خودش است، باشد. هر دو شارح فقط بحث توکل را مطرح می‌کنند. (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۸: ۱۹ / ۲۱۶) از نظر آن‌ها، نشانه‌های کمال یقین خوشبینی به خدا و توکل بر اوست به حدی که بر آنچه نزد خداست مطمئن‌تر باشد تا بر آنچه که نزد اوست. از آن‌رو که ایمان و اعتقاد او به رسیدن روزی از جانب خدا و اطمینان به آن، بیشتر است از قطع و اطمینان او به آنچه در دست خودش می‌باشد؛ چون این در معرض تلف و ناپایدار است و این حالت مرتبه عالی از مراتب توکل است. (ابن میثم، ۱۴۲۷: ۵ / ۶۷۵)

نتیجه

بر اساس مقایسه تحلیلی میان شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و ابن میثم در مفهوم ایمان نتیجه می‌شود که ابن ابی الحدید مانند معتزله در مفهوم ایمان، انجام واجبات و ترک گناهان را نیز مطرح می‌کند، در صورتی که ابن میثم براساس دیدگاه امامیه، عمل را خارج از مفهوم ایمان دانسته و عمل را از آثار ایمان و علت



کمال ایمان به حساب می‌آورد. در نتیجه با بررسی کلام حضرت علی علیه السلام در مفهوم ایمان و شرحی که ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم بر آن اقوال ذکر کرده‌اند به دست می‌آید که دیدگاه‌های کلامی ابن‌ابی‌الحدید و ابن‌میثم بسیار در شرح‌هایشان تأثیر گذاشته است، چنان‌که ابن‌ابی‌الحدید در بعضی از اقوال به تفکیک معنای لغوی و شرعی ایمان که تنها مبتنی بر دیدگاه معتزلی است، اشاره می‌کند.

با بررسی دقیق در سخنان دو شارح درمی‌یابیم که ابن‌ابی‌الحدید بیش از ابن‌میثم در جهت به کرسی نشاندن دیدگاه کلامی خویش از سخنان حضرت علی علیه السلام بهره برده است. وی با این شیوه جدلی قصد دارد افزون بر رد استدلال شیعه به سخنان امام علیه السلام، دیدگاه خود را بر مبنای همان سخنان اثبات کند. در مقابل، ابن‌میثم به جهت آن که دیدگاه کلامی خویش را برگرفته از مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌داند، بیشتر به شرح سخنان امام علی علیه السلام بر مبنای عقاید امامیه می‌پردازد، از این رو در اثبات دیدگاه کلامی خویش و برتری بخشیدن آن بر سایر مذاهب تلاش ویژه‌ای نمی‌کند. لازم به ذکر است که این دو شارح در هر جایی که امام علیه السلام در کلامشان به ایمان اشاره کرده‌اند، مبانی اعتقادی خود را بیان نکرده‌اند. این امر به عواملی بستگی دارد که از آن جمله می‌توان به جایگاه عبارت در مصداق‌های دیگری از جمله زکات، صدقه و غیره اشاره نمود. در پایان می‌توان به مخاطبین نهج البلاغه پیشنهاد کرد که برای فهم بهتر کلام امام علی علیه السلام به یک شرح اکتفا نکنند، بلکه شایسته‌تر آن است که ابتدا با دیدگاه اعتقادی شارحان نهج البلاغه آشنا شوند، سپس با مقایسه چند شرح، مطلب حضرت را دریابند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه علی شیروانی، قم، نسیم حیات.
- آقابزرگ تهرانی، محسن بن علی، ۱۳۸۱ ق، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، بیروت، دار الأضواء.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، ۱۳۷۵، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- _____، ۱۹۹۸ م، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن طقطقی، محمد بن علی، ۱۳۶۰، تاریخ الفخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۱۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.



- ابو حیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحيط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- ابوزید، نصر حامد، ۱۹۹۸ م، *الاتجاه العقلي فی التفسیر*، بیروت، مرکز الثقافی العربی.
- امین، سید محسن، ۱۴۰۳ ق، *أعیان الشیعه*، بیروت، دار التعارف.
- ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، ۱۴۲۷ ق، *شرح نهج البلاغه (المصباح، شرح الکبیر)*، تهران، کتاب.
- پهلوان، منصور، ۱۳۸۶، «ویژگی های شرح ابن میثم بحرانی بر نهج البلاغه»، *فصلنامه مقالات و بررسی ها*، شماره ۸۴، ص ۶۴ - ۳۳، تهران، دانشگاه تهران.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دار الفکر.
- حسینی خطیب، عبدالزهراء، ۱۳۶۷، *مصادر نهج البلاغه و اسانیده*، بیروت، دار الزهراء.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، ۱۴۲۳ ق، *الألفین*، قم، هجرت.
- رازی، فخر الدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار کتاب العربی.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۲۷ ق، *بحوث فی الملل و النحل*، قم، النشر الإسلامی و مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
- _____، ۱۳۸۵، *الإیمان و الکفر فی کتاب و السنه*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- _____، ۱۴۱۲ ق، *الإلهیات علی هدی کتاب و السنه و العقل*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- شوشتری، محمد تقی، ۱۳۷۶، *بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه*، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- قاضی عبد الجبار، قوام الدین، ۱۴۲۲ ق، *شرح الأصول الخمسه*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- _____، بی تا، *متشابه القرآن*، قاهره، مکتبه دار التراث.
- _____، ۱۴۲۶ ق، *تنزیه القرآن عن المطاعن*، بیروت، دار النهضه الحدیثه.
- مکدموت، مارتین، ۱۳۷۲، *اندیشه های کلامی شیخ مفید*، ترجمه احمد آرام، تهران، دانشگاه تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۱ ق، *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، ترجمه محمد علی آذرشب، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۵ ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، *سیری در نهج البلاغه*، تهران، صدرا.
- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، بیروت، دار الکتب العلمیه.